

مردم و جلوگیری از تلاطم‌های شدید بازار و خالی شدن فروشگاه‌ها ضروری بوده است. هرچند، دولتمردان این حقیقت را کتمان نمی‌کنند که این تصمیم ممکن است خسارت‌های مالی و رانت‌هایی به دنبال داشته باشد، اما به عنوان یک تصمیم در بحبوحه جنگ اقتصادی از آن دفاع می‌کنند. نکته مهم‌تر اما این واقعیت است که اگر فساد در این زمینه رخ داده است، دولت خود پیشگام شناسایی متخلفان و برخورد با آنان بوده است. حتی وقتی چند مدیر ارشد بانک مرکزی به اتهام دریافت رشوه در دادگاه حاضر شدند، هیچ بخشی از دولت به دفاع از آنان برخاست. به تعبیر دیگر، اینکه این تخلفات و فسادها در همین دولت کشف و به دادگاه معرفی می‌شود، نشان دهنده تعبیه سازوکارهای کشف فساد و تخلف در دستگاه‌های دولتی و افزایش نظارت بر آنها است. نظارت‌هایی که نه از بیرون دولت، بلکه از درون دولت بر آنها اعمال می‌شود. ضمن اینکه دولت در این زمینه هیچ خط قرمزی برای خود تعریف نکرده است و به همین دلیل است که دستگاه‌های نظارت برای کشف و برخورد با این فسادها، نیازمند آن نیستند منتظر بمانند تا دولت عوض شود و بعد فسادها بر ملا شود؛ مانند آنچه در دوره تحریم‌ها در زمان دولت دهم رخ داد.

■ دولاچه سرنوشت ساز که خاک می‌خورد

البته حتی در زمینه این فسادها هم دولت می‌تواند ادعا کند که از پیش به فکر تهیه زیرساخت‌های مقابله با آنها بوده است، اما این تلاش‌ها در جایی به نام مجلس دهم متوقف شده است. از جمله این اقدامات که می‌توانست به طرز مؤثری سرنوشت وریل گذاری مقابله با فساد را در کشور تغییر دهد، لایحه «مقابله با فساد و ارتقای سلامت نظام اداری-مالی» بود که آذرماه ۱۳۹۸ به مجلس وقت ارسال شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر هیأت دولت، در این لایحه «فساد به مفهوم هر فعل یا ترک فعل عمدی که از سوی هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمان یافته صورت می‌گیرد و با نقض قوانین و مقررات یا سوءاستفاده از اختیارات قانونی منجر به کسب هر گونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری می‌شود یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی یا جمعی از مردم وارد می‌کند» تعریف شده بود. از همین کوتاه، می‌شود دریافت که در صورت عملیاتی شدن این مقررات تازه، تا چه اندازه می‌شد که به پیشگیری از فساد امیدوار بود.

این لایحه به همراه لایحه شفافیت که پیشتر درباره آن صحبت شد، بخشی از یک سه ضلعی را تشکیل می‌دهند که هر یک مکمل دیگری هستند. ضلع سوم این لوائح سرنوشت ساز، لایحه «نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی» است که دی ماه ۱۳۹۸ به مجلس دهم ارسال شد. در این لایحه، ارتقای اعتماد عمومی به نظام سیاسی و اداری کشور، پیشگیری از تأثیر منافع شخصی مقامات، مسئولان و کارمندان بر نحوه انجام وظایف و اختیارات قانونی آنان، ارتقای شفافیت در امور عمومی جامعه، تقویت پاسخگویی نظام سیاسی و اداری در برابر مردم، ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و تقویت کارآمدی و کارآیی مقامات،

مسئولان و کارمندان، با وضع قوانین و اتخاذ تدابیر لازم هدفگذاری شده بود. آیا «نفع شخصی مقامات، مسئولان و کارمندان» موضوع بسیاری از دادگاه‌های در حال برگزاری، از متهمان بانک مرکزی تا اکبر طبری نیست؟ آیا نمی‌توان گفت در صورت تصویب این لوائح، زمینه‌های بروز این مفاسد به حداقل می‌رسید؟

■ دولت در مسیر شفافیت و مبارزه با فساد

از یک نگاه مدیریتی، افزایش کشفیات فساد ضرورتاً به معنای افزایش فساد نیست، بلکه به معنای افزایش کارآیی نظارت‌ها است که به کشف فسادها منجر می‌شود. از این رومی‌توان دولت حسن روحانی را در زمینه مبارزه با فساد موفق دانست. با این توضیح که برداشتن گام‌های بزرگ‌تر و مؤثرتر به همکاری سایر قوا و نهادها نیاز دارد که تا امروز، کمتر حاصل شده است. اما تا همین جا، دولت روحانی چه در زمینه تدوین لوائح شفافیت ساز و مقابله با فساد، ادبیات سیاسی و قانونی جدیدی را در کشور

را حل نخواهد کرد. سیاست‌ها و تصمیمات رانت‌زا همواره می‌تواند فساد را باشد. البته ربیعی این سخن را در واکنش به طرح پرمناقشه و سؤال برانگیز عرضه قیر رایگان مطرح کرد که در مجلس یازدهم تصویب شده است، طرحی که از همین حالا چشم‌اندازهای فسادزای آن هویدا است و به همین دلیل هم دولت با آن مخالفت کرده است.

اما شواهد بسیاری وجود دارد که دولت خود پیشگام در عرصه حذف زمینه‌های فساد است. اصلاح سازوکارهای تعیین حقوق برای مدیران ارشد دولتی از آن جمله است که پس از طرح حقوق‌های غیرمتعارف مطرح شد. در این زمینه، دولت در اجرای ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه، یعنی طراحی و راه‌اندازی سامانه حقوق و مزایای مدیران هم به خوبی عمل کرد، اما همکاری نکردن دستگاه‌های غیردولتی مانند صداوسیما و قوه قضائیه، در نهایت باعث شد این سامانه به سرانجام موفق نرسد.

باتوجه به همه اینها، می‌توان گفت دولت می‌توانست اقدامات بیشتر و مؤثرتری در مقابله با فساد یا ایجاد شفافیت داشته باشد. اما نکته اینجاست که این اهداف، با همکاری همه بخش‌ها و ارکان کشور میسر خواهد بود. به عبارت دیگر، درحالی که همه انتظارها از شفافیت و مقابله با فساد اقتصادی متوجه دولت می‌شود، این واقعیت نادیده گرفته می‌شود که نظام حکمرانی ایران بخش‌های دیگری هم دارد که آنها هم باید وارد اتاق‌های شیشه‌ای شوند. تا زمانی که این انتظار صرفاً متوجه دولت‌ها باشد و تا زمانی که همه بخش‌های حاکمیت، به‌طور عملی و واقعی در این مسیر گام برندارند، نمی‌توان به موفقیت‌های زودرس در این زمینه امید داشت. مانند طرح قیر رایگان که خود یک عقبگرد بزرگ در این زمینه محسوب می‌شود. باوجود این، اما باید به‌خاطر داشت در کشوری که در مسیر توسعه قرار دارد، این گام‌های ولو کوچک، می‌تواند نوید بخش تحولات بزرگ باشد

باتوجه به همه اینها، می‌توان گفت دولت می‌توانست اقدامات بیشتر و مؤثرتری در مقابله با فساد یا ایجاد شفافیت داشته باشد. اما نکته اینجاست که این اهداف، با همکاری همه بخش‌ها و ارکان کشور میسر خواهد بود. به عبارت دیگر، درحالی که همه انتظارها از شفافیت و مقابله با فساد اقتصادی متوجه دولت می‌شود، این واقعیت نادیده گرفته می‌شود که نظام حکمرانی ایران بخش‌های دیگری هم دارد که آنها هم باید وارد اتاق‌های شیشه‌ای شوند. تا زمانی که این انتظار صرفاً متوجه دولت‌ها باشد و تا زمانی که همه بخش‌های حاکمیت، به‌طور عملی و واقعی در این مسیر گام برندارند، نمی‌توان به موفقیت‌های زودرس در این زمینه امید داشت. مانند طرح قیر رایگان که خود یک عقبگرد بزرگ در این زمینه محسوب می‌شود. باوجود این، اما باید به‌خاطر داشت در کشوری که در مسیر توسعه قرار دارد، این گام‌های ولو کوچک، می‌تواند نوید بخش تحولات بزرگ باشد.

بنیان گذاشت که از آن می‌توان به ریل گذاری جدید در جمهوری اسلامی تعبیر کرد. دست کم جزئیات لایحه شفافیت تا امروز در کشور سابقه نداشته است، همچنان که اصطلاح «مدیریت تعارض منافع» برای نخستین بار در دولت روحانی وارد ادبیات قانونی و اجرایی کشور شد. اگر اینها را به همراه اقدامات مؤثری که در زمینه الکترونیکی کردن فرآیندهای اجرایی برداشته شده است مقایسه کنیم، می‌توانیم کارنامه دولت را در زمینه شفافیت و مقابله با فساد قابل قبول بدانیم. بویژه اینکه مطابق آنچه تاکنون گفته شد، رویکرد دولت در این زمینه، نه صرفاً مقابله با مفسدان و بگیر و ببند آنان، بلکه تلاش برای از بین بردن زمینه بروز فساد، با افزایش نظارت‌ها، شفافیت و حذف سازوکارهای زائد بوروکراسی است، سازوکارهایی که به برخی بوروکرات‌ها فرصت داشتن امضاهای طلایی را می‌دهد. این نکته‌ای است که علی ربیعی، سخنگوی دولت هم به آن اشاره کرده است: «مبارزه با فساد اگر به مبارزه با مفسد خلاصه شود هیچ گاه مسأله فساد